

۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

# گزیدهٔ مثنوی

براساس نسخه موزه مولانا کتابت ۶۷۷ هجری قمری

دفتر اول و دوم

با شرح و توضیحات

از استاد بدیع الزمان فروزانفر



ISBN: 978-964-431-521-5

## فهرست عناوین و مطالب و حواشی

موضوع	صفحه	موضوع	صفحه
بیان اینکه هرچیز مجذوب جنس خود است	۲۶	دیباچه (دفتر اول)	
بیان توکل و ترک جهد گفتن	۲۸	حکایت عاشق شدن پادشاهی بر	۱۷
نخجیران بشری	۲۸	کنیزکی و خریدن پادشاه کنیزک را	
فزونی مکر و دستان میانه		کلیات مطالب	۱۷
همجنسان و معاشران	۲۹	ظهور عجز بشر و توانائی خداوند	۱۸
توکل و فوائد آن	۲۹	چگونگی خیال و تأثیر آن	۱۸
کسب و کوشش و منافع و ادله لزوم		لزوم رعایت ادب در حضور مردان	۱۹
سمی و عمل	۲۹	چگونگی عشق و آثار آن	۱۹
بطلان عقیده جبریان	۲۹	بی نیازی حقیقت از دلیل و برهان	۱۹
معنی دنیا	۳۱	رمز قصه سرائی مولوی	۲۰
ذکر اینکه دلبستگی بدنی مذموم است		پزشک به علائم ظاهری نباید اکتفا کند	۲۱
نه مباشرت امور دنیوی	۳۱	لزوم اندیشه در کار	۲۱
خردی جبه مانع از داشتن اندیشه بلند نیست	۳۱	فایده کتمان سر و راز نهفتن	۲۲
اهمیت معرفت و علم	۳۲	فریفته شدن آدمی بظواهر امور	۲۲
وسوسه و الهام و تأثیر آن در دل	۳۲	عشق حقیقی و مجازی	۲۲
رازپوشی و مشورت و اینکه مشورت		ضرور بودن پاداش و کیفر	۲۳
سربسته باید کرد	۳۲	هرچه مرد کامل کند صواب است	۲۳
فریفتگی انسان بعنوان و لقب و فرق		غلط بودن قیاس بنفس	۲۳
میانه کلام حق و سخن باطل	۳۳	حکایت مرد بقال و طوطی	۲۳
معنی جبر و اینکه جبری شدن کار		و روغن ریختن طوطی در دکان	
کاهلان است	۳۳	دل پاک میزان حق و باطل است	۲۴
سستی اندیشه انسان و فریفته		بی نیازی انسان از مجاهده	۲۴
شدن به خیالات خود	۳۳	پس از رسیدن به کمال تسلیم هرکس نباشد	۲۴
نسبت معنی به لفظ	۳۴	مجنون و خلیفه	۲۵
ناپایداری کارهایی که از روی هوی انجام		بیان اینکه مستقر لذت و خوشی دل است	
گیرد و پایداری آنچه به حق باشد	۳۴	و سایه او بر اشیاء پدید می شود	۲۵
پایگاه خرد	۳۴	تکلیف باید باندازه توانائی باشد	۲۵

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۳۴	ناتوانی انسان از ادراک کنه خرد	۴۷	لفظ حجاب معنی است
۳۴	ظهور جان و غفلت آدمی از دیدن آن	۴۷	اتحاد عاشق و معشوق و تجاذب آن دو
۳۵	معرفت اشیاء به ضد است	۴۸	قیمت اشیاء و اهمیت آنها به چیست
۳۵	صورت ظهور معنی است	۴۸	زوال خودبینی در مرحلهٔ عشق
۳۵	قاعدهٔ تجدد امثال	۴۸	یگانگی و وحدت حقیقت
۳۷	دشمن را خوار نباید داشت	۴۹	حالت عاشق از غم و شادی برتر است
۳۷	قصهٔ هدهد و سلیمان	۴۹	ترجیح کوشش بر کاهلی
۳۷	فواید همدلی و همزبانی	۵۰	زیان شهرت و هنرنمایی
۳۸	طرح مسئله قضا و قدر	۵۰	مضرت تعظیم خلق و انگشت نما شدن
۳۸	احوال ظاهری نشانهٔ حالات درونی است	۵۱	تأثیر عنایت‌های خداوند
۳۸	شرح اینکه کلیات و جزئیات در معرض تغییر است	۵۲	اختلاف احوال قلب
۳۹	فواید عزلت	۵۲	داستان پیر چنگی که در عهد عمر از بهر خدا
۴۰	مردم آینهٔ یکدیگرند	۵۳	روزبینوایی چنگ زد در میان گورستان
۴۰	منشاء شادی	۵۳	کلیات مطالب
۴۱	بزرگی بدور و نوبت است	۵۳	دعوت اولیا به بقا و زندگی جاودان
۴۱	حق روشن است و علت نادیدن از ماست	۵۳	اولیا اسرافیل وقتند
۴۲	تفسیر و هو معکم اینماکنتم در سر آنکه من اراد ان یجلس مع الله فلیجلس مع اهل التصوف	۵۴	اتحاد اولیا با خدا
۴۲	قصهٔ بازرگان که طوطی او را پیغام داد به طوطیان هندوستان هنگام رفتن به تجارت	۵۴	یگانگی اولیا با یکدیگر
۴۳	کلیات مطالب	۵۴	وجود بزرگان و اهل دل را غنیمت باید دانست
۴۳	بیان مرتبهٔ رضا و فناء ارادهٔ عاشق لزوم احتیاط در تکلم	۵۴	اندیشهٔ خار پای جان است
۴۴	ذکر بعضی از وظائف سالک	۵۴	سرچشمهٔ خوشیها جان است
۴۴	ترتیب نتایج و تسلسل اعمال	۵۵	آثار نفس و عقل
۴۴	اشاره به مرتبهٔ پیر و مربی روحانی	۵۵	وصف عالم خواب
۴۶	زبان و سود و زیان او	۵۵	آوازه‌ها انعکاس آواز الهی است
۴۶	حسرت از نادانی و زیان او	۵۶	انتقاد از اهل مناظره و استدلالیان
۴۷	غفلت انسان از شناخت جان	۵۶	مرد خدا در هر لباس تواند بود
		۵۷	خوف و رجا نشان خود دیدن است
		۵۷	وصف حال استغراق
		۵۸	در بیان این معنی که تقاضای مستمع گوینده را در سخن کشد
		۵۸	بیان اینکه دوئیها در عالم حس است
		۵۸	وجهان معنی یکرنگی اقتضا کند

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۶۸	نتیجهٔ کشف و استدلال	۵۹	معنی الناس علی دین ملوکم
۶۸	تفاوت علوم کشفی و استدلالی	۵۹	ماجرای نحوی و کشتیان
۶۸	قصه منی کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورتگری	۶۰	بیان اینکه کمال هر کس به کمال مطلوب اوست نه چیزهای دیگر
۶۸	در بیان فضیلت حقگزاری در غیاب و معنی ایمان به غیب	۶۰	وصیت کردن رسول صلعم
۶۹	خدوانداختن خصم در روی امیرالمؤمنین علی و انداختن علی شمشیر را از دست	۶۰	مر علی را که چون هر کسی به نوع طاعتی تقرب جوید به حق تو تقرب جوی به صحبت عاقل و بندهٔ خاص تا از همه پیشقدمتر باشی
۷۰	کلیات مطالب	۶۰	کبودی زدن قزوینی بر شانه‌گاه صورت شیر و پشیمان شدن او به سبب زخم سوزن
۷۰	تأثیر عمل و نیت پاک	۶۱	رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر به شکار
۷۱	وجود مرد کامل در همهٔ حال هادیست بزرگان در قبضهٔ تصرف حقند	۶۲	کلیات مطالب
۷۱	معنی اخلاص	۶۲	زبان طمع و فزون‌طلبی در خدمت مردان خودبینی حجاب دل است
۷۲	موجودات نگاشتهٔ خامد صنع خدایند	۶۳	قصهٔ آنکه در یاری بکوفت
۷۳	<b>توضیح و گزارش دفتر اول</b>	۶۳	یگانگی اجزاء جهان با حقیقت کل
۱۳۲	<b>دفتر دوم</b>	۶۳	وحدت مذاهب و ادیان در اصل
۱۴۲	هلال پنداشتن آن شخص خیال را در عهد عمر	۶۳	سخن از خواهش مستمع خیزد
۱۴۳	التماس کردن همراه عیسی زنده کردن استخوانها از عیسی	۶۴	فوائد بی‌طمعی
۱۴۳	کلیات مطالب	۶۴	از حال دیگران پند باید گرفت
۱۴۴	ملازمهٔ ذکر و اخلاص	۶۴	آمدن مهمان پیش یوسف علیه السلام و تقاضا کردن یوسف از او تحفه و ارمغان
۱۴۴	نتیجهٔ مناسب عمل است	۶۵	کلیات مطالب
۱۴۴	داستان صوفی و خادم خانقاه	۶۵	حوادث مکمل انسان است
۱۴۵	تفاوت علم کشفی و علم نقلی	۶۶	جویای کمال نقص خود می‌بیند
۱۴۵	صفت پیر و مرتبهٔ او	۶۶	آفات عجب و خودپسندی
۱۴۵	اتحاد مردان خدا	۶۶	انتقاد از مشایخ ریاکار
۱۴۶	منشاء دوستی و دشمنی	۶۶	ناپایداری احوال
۱۴۶	بدظاهر فریفته نباید شد	۶۶	سستی خیالات بشری
۱۴۶	کینه و آثار آن	۶۷	بدهیادت رفتن کر بدخانهٔ همسایهٔ بیمار
۱۴۶	انسان اندیشه و فکرست	۶۸	جهان بازیچه و لاغ است

موضوع	صفحه	موضوع	صفحه
حکمت بعثت انبیاء	۱۴۷	راه حقیقت یابی	۱۵۸
هر عبارت نمودار حالتی است	۱۴۷	زبان خودبینی	۱۵۸
سبب استجاب دعا	۱۴۷	بدسگانی نشان نفس پرستی است	۱۵۹
پاکدلی شرط حصول معرفت است	۱۴۷	کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در	۱۶۰
یافتن پادشاه باز به خانه کمپیرزن	۱۴۸	جوی آب	۱۶۰
به عبادت و قرب مغرور مشوید	۱۴۸	کلیات مطالب	۱۶۰
آثار عنایت الهی	۱۴۸	ریاضت نفس موجب قربست	۱۶۰
آرزو خاستن نشان کامیاب شدنست	۱۴۹	جوانی را غنیمت باید شمرد	۱۶۱
بازگشت به قصه عیسی	۱۴۹	قصه والی و مردی که خارین در	۱۶۱
بیان حسن طلب	۱۴۹	راه نشانده بود	۱۶۱
آفات تقلید	۱۵۰	زبان اهمال در تربیت نفس	۱۶۱
فروختن صوفیان بهیمة مسافر را	۱۵۱	بدخوئی مایه رنج مردم بدخوی است	۱۶۱
جهت سماع	۱۵۱	معنی سخا و آثار آن	۱۶۱
کلیات مطالب	۱۵۱	مقام صبر	۱۶۲
آزادگی مردان خدا	۱۵۳	نسبت عالم صورت به جهان جان	۱۶۲
تعریف کردن منادیان قاضی مفسلی	۱۵۳	تفسیر المخلصون علی خطر عظیم	۱۶۳
راگرد شهر	۱۵۳	کاملان از نقص مصونند	۱۶۳
آمیختگی لذات جهان به رنج	۱۵۳	چگونگی تصرف پیر در مریدان	۱۶۳
تأثیر خیال	۱۵۳	فوائد و آثار صحبت	۱۶۴
خیال در تشخیص مؤثر است	۱۵۴	کیفیت فنا	۱۶۴
شکایت کردن اهل زندان	۱۵۴	تحریر بر همنشینی پاکان	۱۶۵
حکمت صفت دلست	۱۵۶	تفاوت قوای روحی و جسمی	۱۶۵
حقیقت در حجاب نیست	۱۵۶	مرتبه رضا و تسلیم	۱۶۵
لزوم توجه به خدا	۱۵۶	آثار تحقق به سر فقر	۱۶۵
متعلق عشق صورت نیست	۱۵۶	<b>توضیح و گزارش</b>	
جمال صورت فرع کمال معنی است	۱۵۷	<b>دکتر دوم</b>	۱۶۷
اتحاد عشق و عاشق و معشوق	۱۵۷		
انتقاد از صورت پرستان	۱۵۷		
ترغیب به سعی و عمل	۱۵۷		
قصه غریبی که خانه می جست	۱۵۸		
قصور انسان در تشخیص خوشی	۱۵۸		
میزان تشخیص	۱۵۸		

بنام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه

منظور اصلی از تدوین این خلاصه آشنا ساختن ذهن دانشجویان و دانش آموزان است به کتاب مثنوی معنوی که نموداری از دل پاک و فکر بلند قبله اهل حقیقت و آفتاب درخشان معرفت، افتخار مشرق مولانا جلال الدین محمد بن محمد بلخی، معروف به مولانا روم و مشهور به مولوی رومی است (۶۷۲-۶۰۴).

چه این کتاب شریف هر چند از همان آغاز در حوزه مولانا و پیروان و یاران وی تالی قرآن و حدیث مصطفی (ص) شناخته آمده و در مجالس سماع و وجد و حال، همواره قرائت می شده و اهل معنی و ارباب تصوف پیوسته در محافل خود از آن نظم لطیف سرمایه ها گرفته اند و هیچ یک از طبقات متصوفه و عرفا در هیچ دور و زمان، از مطالعه و حفظ و شرح و بیان مثنوی خودداری نکرده اند و آن را عالیترین منظومه عرفانی و تنها وسیله هدایت و راهنمایی صوفیه و کلیه متذوقان به طریق تصوف و عرفان می دانسته اند. و حکماء و علماء ژرف بین ایران و دیگر ممالک اسلامی که به زبان پارسی آشنایی دارند، با نظر تجلیل و تبجیل به مناسبت مقام، اشعار معنوی را به طریق استشهاد و در تأیید آراء و عقاید خود آورده اند و آوازه مثنوی همواره عالمگیر بوده.

با این همه به جهات و عللی که اکنون هنگام بیان آنها نیست مثنوی در میان طبقه جوانان ایرانی چنانکه درخور و شایسته است شهرت نیافته و دانشجویان و دانش آموزان به مثنوی و روش فکر مولوی درست آشنایی حاصل نکرده اند.

انحطاط مسلک تصوف و ابتدال آن طریقت عالی، به حسب ظاهر نیز سبب شده است که بعضی اشخاص نیندیشیده و دقت ناکرده از هر کتاب که به مسلک اهل عرفان منسوب است دوری می جویند و نفرت می کنند و گمان می برند که حاصل تصوف لاقیدی مذموم و مفتخواری و گدائی و تنبلی است. و در اثبات فکر خود به شواهد و امثالی از اشعار عرفا متمسک می شوند و درویش صورتان خالی از هرگونه معنی را نمونه تربیت صوفیانه می آورند، با اینکه آن اشعار هر یک بجای خود درست و در محل خود بسیار صحیح و علت اشتباه دوری از اصطلاحات و مبانی عرفاء و متصوفان صاحب دل

است و فساد بعضی از صوفی‌نمایان هم دلیل تباهی این روش در تمام دوره‌ها نیست. از طرفی غلظت حجم آن و کثرت صفحات برای کسانی که باید در رشته‌های مختلف و متنوع به مطالعه کتب پردازند موجب آن است که بخواندن مثنوی نگریند و رغبت نکنند. علاوه بر این نکات هر گاه به خاطر بیاوریم که مثنوی معنوی حاوی دقیقترین افکار عرفانی و مشتمل بر خلاصه آراء صوفیان و حکیمان اسلام و متضمن عقاید فرق و طوائف بسیار از مسلم و غیرمسلم می‌باشد که غالب آنها به طریق اشارت و بر سبیل کنایت ذکر شده و در هر مورد به آیات قرآنی و حدیث رسول (ص) موّشح و مصدر گردیده و با این حال آن بزرگ را در بیان مطالب اسلوبی خاص و روشی نادر است که به دست آوردن آن محتاج است به مراجعه و مطالعه مکرر در کتاب مثنوی، بناچار و از روی انصاف این طبقه را تا حدی معذور خواهیم داشت.

با ملاحظه این مقدمات چنین به خاطر رسید که هرگاه از کتاب مثنوی خلاصه‌ای متضمن بهترین و ساده‌ترین ابیات آن از جهت مناسبت با ضمیر و فکر این طبقه فراهم گردد که شامل شرح لغات و حل مشکلات و ذکر پاره‌ای از اسرار مثنوی و بیان بعضی از مبانی تصوّف و عرفان باشد شاید که موجب راهنمایی و هدایت جوانان بدین خزینه اسرار الهی و گنجینه معارف بشری گردد و از برای عموم ارادتمندان مولوی که مایلند بر مبادی افکار و طریق تعلیم او در اخلاق و تهذیب نفس اطلاع بدست آرند نیز مفید و سودمند افتد و بدین جهت چون در پایان سال ۱۳۱۸ از طرف وزارت فرهنگ دستور رسید که خلاصه‌ای از مثنوی به جهت تعلّم دانش آموزان آماده شود بنده این خدمت را به جان پذیرفتار آمد و از سر کمال شوق میان همّت استوار در بستم و به مدت دو سال خلاصه‌ای را که از نظر خوانندگان گرانمایه می‌گذرد فراهم کرد و وزارت فرهنگ نیز در تهیه طبع آن کوشش فراوان مبذول داشت. نکاتی که در تهیه این کتاب منظور داشته‌ام عبارت است از:

۱- از میانه قصّه‌های کلی آنچه به حال دانش آموزان مناسبتر می‌نمود انتخاب کرده و در این مختصر آورده‌ام و بنابراین انتخاب اشعار تنها از جهت مناسبت و عدم مناسبت با درجه افکار و افق احوال دانش آموزان است نه آنکه تصوّر رود که بنده بعضی داستانها یا ابیات را از بعض دیگر فصیحتر و تامتر می‌پندارد. زیرا تصوّر چنین عقیده‌ای درباره کتاب مثنوی به عقیده این بنده زاده عدم تأمل و تدبّر و به منزله کفر است و هیچ منصف سخن‌شناس که در آثار پیشینیان تتبع و با کتاب مثنوی مأنوس باشد بر اظهار چنین مطلبی گستاخی نمی‌کند، تا چه رسد به کسانی که شیفته و دل‌باخته بیان وحی آسای مولوی شده و آنرا تالی کتب آسمانی و از مقدّسات عالم انسانی می‌دانند.

۲- تا ممکن بود کوشیده‌ام که رشته سخن نگسلد و نظم فکر منقطع نگردد. تا آنکه خوانندگان از مطالعه این مختصر در حد امکان به روش بیان و طرز فکر مولوی آشنایی حاصل کنند و در مقام سنجش و مرحله مقایسه تفاوت منهج و مسلک او را در سخن‌پردازی با دیگر سخنگویان بازشناسند و از این رو ابیات متفرق برنگزیده و قطعه‌های کوتاه نیز جز در چند مورد نیآورده‌ام.

۳- برای آنکه فهم ابیات و ادراک مقاصد آسان‌تر گردد در آغاز هر یک از قصص و حکایات کلیات مطالب را که در آن حکایت مندرج است به ترتیب ذکر کرده و در کنار صفحه نیز آنجا که مطلبی آغاز می‌شود همان عنوان که در کلیات مطالب مذکور شده آورده‌ام تا دانش آموزان پیش از شروع به قرائت، به طور کلی و اجمالی بر آن مطالب اطلاعی حاصل کنند و پس از آن هنگام، خواندن یا مطالعه به خوبی و آسانی بتوانند محل هر مطلب را در ضمن حکایت به دست آرند، چه آنکه بر اهل اطلاع مسلم است که یکی از مشکلات ما در فهم مثنوی آن است که مولانا جلال‌الدین بر اقتضای حال خود و به سبب کثرت احاطه و اطلاع همواره معانی را درهم می‌آمیزد و به طریق افتنان از سخنی به سخنی و از قصه‌ای به قصه‌ای منتقل می‌گردد و پیوسته در ضمن بیان مقصود آنچه مناسب آن می‌نماید به جهت تأیید بیان می‌کند و آنچه خلاف آن باشد به نظم درمی‌کشد و آنرا نقض ورد می‌فرماید و از این رو فهم مثنوی وقتی میسر می‌گردد که خواننده بارها از روی دقت و از سر عشق آن کتاب را در مطالعه گیرد و به وسیله تکرار به اسلوب سخن‌پردازی آن خداوند معرفت مأنوس و آشنا گردد و همه کس را این توفیق میسر نیست بویژه در این روزگار، توقع چنین پشت‌کار و ادامه نظر آنهم در یک کتاب از دانش آموزان که رشته‌های مختلف می‌آموزند نتوان داشت.

فایده دیگر که از این ترتیب به دست می‌آید این است که هرگاه کسی بخواهد مثلاً، بداند که در چند موضع از این خلاصه درباره حقیقت انسان یا هر مسأله دیگر سخن رفته است به آسانی از روی فهرستی که در آغاز هر حکایت به عنوان «کلیات مطالب» مرتب شده بدست تواند آورد.

۴- در شرح ابیات و آنچه به عنوان تعلیق نوشته‌ام در حد امکان مآخذ داستانها و حکایات و آیات قرآنی و احادیث نبوی و آثار صحابه و اکابر اسلام که مولوی بدانها اشارتی کرده مذکور ساخته و هر جا که شرح یکی از اصول متصوّفان به میان آمده پس از تعریف و بیان آن اصل اجمالاً منابعی که حاوی آراء و عقاید مشایخ و بزرگان تصوّف است. و خاصه در توضیح آن مطلب از آنها بهره توان برد به تفصیل نوشته و نیز علاوه بر